

بررسی حکم سکوت و استماع شنوندگان هنگام قرائت قرآن*

محمدعلی رضایی اصفهانی**

چکیده

آیه ۲۰۴ سوره اعراف دستور سکوت و استماع را به شنوندگان قرائت قرآن می‌دهد. این آیه در تفسیر و فقه در موارد متعدد مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن ارائه شده است. از جمله وجوب سکوت و استماع در نماز و غیرنماز، وجوب در نماز جماعت و استحباب در غیر نماز یا وجوب در هنگام نزول قرآن؛ البته برخی مفسران نیز استماع را کنایه از عمل به محتوای آیات دانسته‌اند. در مورد وجوب استماع و سکوت به ظاهر آیه فوق و نیز آیه ۲۱ سوره انشقاق و احادیث و برای عدم وجوب نیز به اجماع، احادیث و جمله «لعلکم ترحمون» ذیل آیه استدلال شده است. این نوشتار بعد از بررسی دلایل طرفین با روش تحقیق تفسیری و فقهی به این نتیجه رسیده که وجوب سکوت و استماع شامل نماز و غیر نماز می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن، استماع، سکوت، قرائت، حکم فقهی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۴ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳.
**. استاد جامعه المصطفی العالمیه: reazee@quransc.com

مقدمه

قرآن کریم، کتاب آسمانی و معجزه جاویدان پیامبر اسلام ﷺ است که احترام و حرمت خاصی در بین مسلمانان دارد؛ از این رو، لازم است حرمت و احترام مصحف و قرائت آن نیز رعایت شود. در این باره دستوراتی نیز در قرآن و احادیث آمده است. از جمله این موارد لزوم سکوت و استماع هنگام قرائت آیات قرآن است که در این نوشتار به بررسی وجوب یا استحباب آن بر اساس آیات و روایات می‌پردازیم. البته در این زمینه از روش‌های تفسیری از جمله روش تفسیر روایی و نیز روش تحقیق فقهی استفاده می‌شود.

مفهوم‌شناسی

واژه «استماع» از ریشه «سمع» به معنای شنیدن است، اگرچه بدون فهم معنا باشد، ولی وقتی به باب افتعال می‌رود، به معنای چیزی را با دقت و زحمت گوش دادن و فهمیدن است که در آن قصد وجود داشته باشد (فیومی، مصباح المنیر، ۱۴۱۴: ۲/ ۲۸۹، ماده «سمع»). راغب اصفهانی استماع را به معنای اصغاء می‌داند (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۳۳۲: ۱/ ۴۲۶) و صاحب «لسان العرب» بر آن است که اصغاء به معنای کاملاً به سوی کسی گوش دادن است. سپس می‌گوید: عبارت «اصغت الناقه» در مورد شتر وقتی گفته می‌شود که سرش را نسبت به ساربان پایین آورد (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸: ۱۴/ ۴۶۱) (اصغیت الی فلان اذا ملت بسمعك نحوه)؛ یعنی نوعی کرنش و اطاعت عملی داشته باشد. واژه «انصات» از ریشه «نصت» به معنای سکوت است (ابن اثیر، النهایه، ۱۳۶۴: ۲/ ۶۰۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸: ۲/ ۹۸)؛ بنابراین، انصات می‌تواند مقدمه استماع باشد و این دو با هم فرق دارند؛ یکی سکوت است و دیگری شنیدن همراه فهم درک و اطاعت.

پیشینه

در مورد حکم سکوت و استماع هنگام شنیدن آیات قرآن در قرآن کریم (اعراف/ ۲۰۴) و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) مطالبی آمده است (ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۶/ ۲۱۵ به بعد؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۱۸/ ۶۱۵ به بعد)؛ لذا در تفاسیر کهن مثل تفسیر عیاشی، «التبیان» (شیخ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۵/ ۶۸) شیخ طوسی (۴۶۰ق) و «مجمع البیان» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴/ ۷۹۲) طبرسی (۴۶۸) و نیز در کتاب‌های فقه القرآن مثل «فقه القرآن» (راوندی، فقه القرآن، ۱۴۰۵: ۱/ ۱۴۲) راوندی (۵۷۳ق) و «احکام القرآن» (جصاص، احکام القرآن، ۱۴۱۵: ۴/ ۲۱۶) جصاص (۳۰۵ق) مطالبی در این باره آمده است.

نیز در کتب فقهی مثل «عروة الوثقی» (یزدی، العروة الوثقی، فصل فی احکام الجماعه، مسأله اول) سید کاظم یزدی (۱۳۳۷ق) و مستمسک العروة الوثقی، (حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴۰۴: ۷/ ۲۵۰) سید محسن حکیم (۱۳۹۰ق) و ... ذیل مبحث صلاة جماعه مطالب مبسوطی آمده است.

۴- تفسیر آیات مربوط

الف) آیه ۲۰۴ سوره اعراف

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾؛ «و هنگامی که قرآن خوانده شود، پس بدان [با دقت] گوش فرا دهید و [هنگام شنیدن] ساکت باشید. باشد که شما (مشمول) رحمت شوید».

در باره این آیه دو شأن نزول نقل شده است:

نخست آنکه در آغاز اسلام، بعضی از مسلمانان گاهی در نماز صحبت می کردند و آیه آنان را از سخن گفتن در هنگام قرائت قرآن (حمد و سوره) منع کرد. نیز حکایت شده که پیامبر تلاوت قرآن می کرد و جوانی از انصار همراه او بلند قرآن می خواند که این آیه فرود آمد و این کار را منع کرد (واحدی، اسباب النزول، ۱۴۱۱: ۲۳۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۲۲/ ۸۵؛ راوندی، فقه القرآن، ۱۴۰۵: ۱/ ۱۴۱).

نکات آیه

۱. این آیه هر چند شأن نزول خاصی دارد، اختصاص به آن ندارد؛ چرا که یک مطلب کلی را بیان می کند و همگان را به سکوت و گوش دادن به قرائت قرآن فرا می خواند.
۲. در این آیه برای مردم دو وظیفه در هنگام قرائت قرآن مشخص شده است: نخست آنکه ساکت باشند و به قرائت قرآن گوش فرا دهند.

۹۹

دوم آنکه با کوشش و دقت، آیات قرآن را بشنوند. «انصتوا» به معنای سکوت همراه با گوش دادن است و «استمعوا» از باب افتعال به معنای گوش دادن همراه با دقت است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۷/ ۷۰).

۳. «لعل» که به معنای «باشد و شاید» است، در اینجا به معنای وجود مقتضی رحمت الهی است؛ یعنی سکوت و گوش دادن به آیات قرآن زمینه ساز ریزش رحمت الهی بر انسان است، اما شرایط دیگری مثل عمل به قرآن نیز لازم دارد.

۴. برخی مفسران قرآن مقصود آیه را شنیدن آیات قرآن و درک مفاهیم آن و پی بردن به اعجاز آن دانسته‌اند؛ زیرا این آیه در ادامه گفت‌وگو با مشرکان در آیات است (فاضل مقداد میسوری، کنز العرفان، ۱۳۱۳: ۱/ ۱۹۵) و منعی نیست که مفهوم وسیعی داشته باشد و این معنا را هم شامل شود.

۵. برخی مفسران بر آنند که تعبیر «له» در «فاستمعوا له» به جای تعبیر «الیه» آمده است؛ یعنی نفرمود قرآن را بشنوید یا به سوی قرآن استماع کنید، بلکه فرمود: «له» (برای قرآن) یعنی شنیدنی که لایق و مناسب این کتاب الهی باشد که همان شنیدن همراه با تدبّر و عمل طبق آن است (صادقی، تفسیر الفرقان بالقرآن و السنه، ۱۳۶۳: ۳۰/ ۲۵۳-۲۴۹؛ ۱۲/ ۱۰۶-۱۰۷).

مشابه این مطلب در قدامای مفسران نیز از زجاج نقل شده که مقصود از «استماع» عمل به محتوای قرآن دانسته است (فخر رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳/ ۲۳۲). به هر حال، به نظر می‌رسد که تفاوت اساسی سکوت (انصات) با استماع در دو نکته است. اول آنکه استماع شنیدن همراه با دقت و فهم است و دوم اینکه استماع به دنبالش عمل طبق قرآن است و سکوت می‌تواند این دو مطلب را در بر نداشته باشد.

ب) آیه ۲۰-۲۱ سوره انشقاق

﴿فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ * وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ﴾؛ «پس آن کافران را چه شده که ایمان نمی‌آورند؟! و هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می‌شود، سجده نمی‌کنند؟!».

نکات آیات

۱. این آیات کافران را سرزنش می‌کند که چرا در برابر قرآنی که این حقایق عالی را برای شما بیان می‌کند و اعجاز آن آشکار شده است، لجاجت می‌کنید و ایمان نمی‌آورید و فروتن نمی‌شوید؟

۲. مقصود از «سجده» در این آیات، فروتنی، تسلیم و اطاعت است؛ هر چند سجده اصطلاحی نیز یکی از مصداق‌های آن است. حکایت شده که هر گاه پیامبر این آیات را می‌خواندند سجده می‌کردند. از نظر فقهی نیز مشهور آن است که در هنگام خواندن این آیه، سجده مستحب است (مغربی، دعائم الاسلام، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۸۲/ ۱۷۱؛ البته فقهای اهل سنت، سجده را در اینجا واجب می‌دانند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۶/ ۳۱۸)).

۳. برخی مفسران گفته‌اند این آیات جزء آیات سجده‌دار نیست که هنگام شنیدن آنها سجده واجب می‌شود. پس مقصود از سجده کمال خضوع یعنی همان سکوت و استماع می‌باشد (صادقی، تفسیر الفرقان بالقرآن والسنة، ۱۳۶۵: ۳۰/۲۵۰). لکن به نظر می‌رسد سکوت و استماع یکی از مصادیق خضوع در برابر گوینده سخن یا از لوازم آن است؛ بنابراین، آیه صراحت در وجوب ندارد.

دیدگاه‌ها در باره حکم استماع و سکوت هنگام قرائت

درباره حکم سکوت و استماع هنگام شنیدن قرائت قرآن چند قول و دیدگاه بین فقها و مفسران وجود دارد که در مجموع به پنج قول می‌رسد:

الف) وجوب سکوت و استماع هنگام شنیدن آیات قرآن چه در نماز (واجب یا مستحب) و چه در غیر نماز؛

این دیدگاه برخی علمای اهل سنت و شیعه است.

- سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» ذیل آیه ۲۰۴ سوره اعراف می‌نویسد: «الاقرب ان يكون ذلك عاماً لا يخصصه شيء» (سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، ۱۳۸۶: ۳/۱۴۲۵).

- صدیق حسن خان و محمد صدیق در تفسیر «فتح البیان فی مقاصد القرآن»، قائل به وجوب سکوت و استماع در هر حال هستند (حسن خان و محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، ۱۴۲۰: ۲/۶۳۹).

- صاحب «تفسیر الفرقان» قائل به وجوب سکوت و استماع در نماز و غیر نماز است مادامی که به عسر و حرج نرسد (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، ۱۳۶۵: ۱۲/۱۰۶؛ ۳۰/۳۴۹-۲۵۳).

- کلمات علامه شعرانی نیز به همین مطلب اشعار دارد (علامه شعرانی، پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۸۶: ۲/۵۷۷).

ب) وجوب سکوت و استماع در نماز (واجب یا مستحب)

این مطلب به ابن عباس، ابن مسعود، ابوهریره، سعید بن جبیر نسبت داده شده است (شیخ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۵/۶۷). به قرطبی مفسر بزرگ اهل سنت نیز همین مطلب نسبت داده شده است (ر.ک: سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، ۱۳۸۶: ۳/۱۴۲۵).

ج) وجوب سکوت و استماع هنگام شنیدن قرائت قرآن در نماز جماعت

بنابراین قول، سکوت و استماع در نمازهای واجب آن هم هنگامی که امام جماعت سوره را بلند می‌خواند (یعنی نمازهای جهریه)، واجب است. البته برخی خطبه نماز فطر و جمعه را هم به این مطلب ملحق کرده‌اند. شاید به دلیل اینکه هر خطبه در حکم یک رکعت نماز است؛ در نتیجه در نمازهای مستحب و غیر هنگام نماز، سکوت و استماع مستحب است. این مطلب از مضمون سخنان برخی مفسران و فقهای شیعه و سنی مثل شیخ طوسی در تفسیر «التبیان» (شیخ طوسی، التبیان، بی تا: ۵/ ۶۸)، طبرسی در «مجمع البیان» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۴: ۴/ ۷۹۲)، فخر رازی در «التفسیر الکبیر» (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۳/ ۲۳۲)، جصاص در «احکام القرآن» (جصاص، احکام القرآن، ۱۴۱۵: ۴/ ۲۱۶)، علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۸/ ۳۸۲۶) و آیت الله مکارم در «تفسیر نمونه» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۷/ ۷۱) برداشت می‌شود. سید کاظم یزدی نیز در عروة الوثقی می‌نویسد: «واما فی الاولین من الجهریه فان سمع صوت الامام - ولو همهمة - وجب علیه ترك القراءة بل الاحوط والاولی الانصات». سید محسن حکیم نیز در «مستمسک العروة الوثقی» ذیل کلام صاحب عروة همین قول را می‌پذیرد (حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴۰۴: ۷/ ۲۵۵).

د) وجوب سکوت و استماع در هنگام شنیدن قرائت قرآن در وقت نزول قرآن

این دیدگاه را فخر رازی از برخی افراد نقل کرده است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳/ ۲۳۲).

هـ) مقصود از استماع در هنگام شنیدن قرائت قرآن، عمل به محتوای آیات است

این دیدگاه را فخر رازی به زجاج نسبت داده است (ر.ک: فخر رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳/ ۲۳۲). البته این دیدگاه در خصوص «استماع» شواهدی در لغت و تفسیر دارد. ولی منعی نیست که مراد از استماع هم شنیدن با دقت و فهم باشد و هم لازمه آن یعنی عمل به قرآن باشد؛ چرا که یکی معنای ظاهر لفظ و دیگری معنای کنایی است یا از باب استعمال لفظ در بیش از یک معنا است که در تفسیر جایز است (ر.ک: رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۱)، ۱۳۸۵: مبحث استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا).

البته هر چند که پنج دیدگاه در اینجا وجود دارد، لکن دو دیدگاه اصلی، دیدگاه اول و سوم است که دلایل جدی دارد و در ادامه بررسی می‌شود.

دلایل دیدگاه وجوب سکوت و استماع هنگام شنیدن قرائت قرآن مطلقاً (در نماز و غیر نماز)

برای وجوب سکوت و استماع در هنگام شنیدن آیات قرآن چه در نماز جماعت یا نمازهای دیگر و چه در غیر نماز به دلایل و شواهد زیر استدلال می‌شود:

الف) آیات

اول: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا﴾ (اعراف / ۲۰۴)؛ «و هنگامی که قرآن خوانده می‌شود، پس بدان [با دقت] گوش فرا دهید و ساکت باشید» که ظهور امر در وجوب است و در این آیه دو حکم سلبی (لزوم سکوت و سخن نگفتن) و ایجابی (شنیدن با دقت همراه درک و فهم) آمده است و آیه اطلاق دارد؛ بنابراین، شامل شنیدن قرآن در نماز و غیر نماز می‌شود و اگر شأن نزول آیه در مورد نماز است، الغاء خصوصیت می‌شود. پس تقیید آیه به مخاطب خاص در نماز جماعت دلیل ندارد.

البته برخی به ذیل آیه «لعلکم ترحمون» استدلال کرده‌اند که سکوت در هنگام شنیدن قرائت قرآن حتی در نماز جماعت مستحب است: «فان تعريض النفس للرحمة ليس بواجب و ان وجب تعريضها للغفران ودفع العذاب» (حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴۰۴: ۷/ ۲۵۴)، لکن مرحوم سید محسن حکیم به این سخن جواب داده و گفته است: «رفع اليد عن ظاهر النهی بمجرد ذلك غير ظاهر» (همان).

روشن است که «لعلکم ترحمون» از باب مقتضی رحمت و بیان حکمت حکم است و در برخی آیات دیگر هم که وجوب حکم آن اختلافی نیست، این گونه تعبیرات آمده است؛ مانند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره / ۱۸۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر شد، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر شده بود تا شاید شما خود نگه‌دار باشید». نیز مانند آیه ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره / ۱۷۹)؛ «و ای خردمندان! برای شما در قصاص، زندگانی است تا شاید شما خود نگه‌دار باشید».

دوم: ﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ﴾ (انشقاق / ۲) بنابر اینکه مقصود از سجده، کمال خضوع باشد که یکی از مصداق‌های آن سکوت و استماع قرائت قرآن است. در این آیه عدم کرنش به شدت سرزنش شده است و لازمه آیه آن است که کرنش واجب است. این مطلب از کلام برخی مفسران معاصر استفاده می‌شود (صادقی، تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنه، ۱۳۶۳: ۳۰ / ۲۵۰).

ب) روایات

اول: «عن زراره قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: يَجِبُ الْإِنْصَاتُ لِلْقُرْآنِ فِي الصَّلَاةِ وَغَيْرِهَا وَإِذَا قُرِئَ عِنْدَكَ الْقُرْآنُ وَجِبَ عَلَيْكَ الْإِنْصَاتُ وَالْإِسْتِمَاعُ»؛ «از زراره نقل است که از امام صادق عليه السلام شنیدم: واجب است که به هنگام تلاوت قرآن چه در نماز و چه در غیر نماز، سکوت کنی و هر گاه در حضور تو قرآن خوانده شد، واجب است بر تو که سکوت کامل را رعایت کنی» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۱۸/۶۱۵؛ عیاشی، التفسیر، ۱۴۲۷: ۲/۴۴).

دوم: «عن عبدالله بن ابی یعفور قال: قلت له: الرَّجُلُ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ أَيَجِبُ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ الْإِنْصَاتُ لَهُ وَالْإِسْتِمَاعُ؟»؛ «از عبدالله بن ابی یعفور نقل است که از امام صادق عليه السلام درباره مردی پرسیدم که قرآن را قرائت می کند: آیا کسی که قرائت او را می شنود بر او واجب است که خاموش بماند و گوش فرا دهد؟ فرمود: آری، هنگامی که در نزد تو قرآن قرائت شود بر تو واجب است که به آن گوش فرا دهی و خاموش بمانی» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۴: ۴/۷۹۲).

این احادیث که صراحت در وجوب سکوت و استماع در هنگام شنیدن قرائت قرآن دارد، با ظاهر آیه موافق است؛ بنابراین، اگر ضعفی در سند آنها باشد، جبران می شود و محفوف به قرینه می گردد. بنابراین، حمل لفظ «يجب» بر استحباب وجهی ندارد.

ج) بنای عقلا مبنی بر سکوت و استماع در برابر کلام بزرگان

عقل، فطرت و ادب اقتضا می کند که در برابر قرائت قرآن سکوت و استماع کنیم و گرنه مورد سرزنش عقلا قرار می گیریم (صادقی، تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، ۱۳۶۳: ۱۲/۱۰۶). وجوب آن با قاعده «كلما حكم به العقل حكم به الشرع» ثابت می گردد. اگر این دلیل را بپذیریم، آیات و احادیث فوق ارشاد به بنای عقلا می شود.

دلایل دیدگاه وجوب سکوت و استماع هنگام شنیدن قرائت قرآن در نماز جماعت

برای وجوب سکوت و ترک قرائت مأموم هنگام شنیدن قرائت قرآن امام جماعت در نمازهای چهارگانه چند دلیل آورده اند.

الف) اجماع: این دلیل را مفسران و فقهایی شیعه و سنی به صورت های مختلف بیان کرده اند: - جصاص در «احکام القرآن» می نویسد: «اتفاق الجميع على نزولها في وجوب ترك القراءة خلف الامام» (جصاص، احکام القرآن، ۱۴۱۵: ۴/۲۱۶).

- شیخ طوسی برای غیر نماز می‌گوید: «لا خلاف انه لا یجب الانصات والاستماع» (شیخ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۵ / ۶۸).

- صاحب تفسیر نمونه بر آن است که حکم آیه عمومی است، اما روایات و اجماع دلیل بر آن است که حکم استحباب است و تعبیر واجب در روایات به دلیل تأکید بر حکم است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۷ / ۷۱).

- سید محسن حکیم در «مستمسک العروة الوثقی» در مورد لزوم ترک قرائت و سکوت مأوم در جماعت دو رکعت نماز چهاری می‌نویسد: «اما السقوط فقد حکى الاجماع علیه عن جماعة، كالتذكرة و غاية المراد والتنقيح والروض والروضة والنجية وغيرها، واما التحريم فهو المحكى عن السیدین و ...» (حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۱۴۰۴: ۷ / ۲۵۲). وی سپس به نقل از برخی می‌گوید قرائت مأوم در هنگام شنیدن صدای قرائت امام در نماز جماعت کراهت دارد (همان، ۲۵۳). ایشان سپس دلایل قول به کراهت را بررسی و رد می‌کند (همان، ۲۵۵ - ۲۵۳).

بررسی

در مورد اجماع فوق چند اشکال شده است:
اولاً: اجماع منقول است (نه محصل) و اجماع منقول حجت نیست.
ثانیاً: اجماع مدرکی است چون در این بحث روایات وجود دارد و ظاهر برخی روایات با اجماع هماهنگ است؛ بنابراین، اجماع مدرکی می‌شود و حجت نمی‌باشد.
ثالثاً: ادعای این اجماع در شیعه و سنی مخالف دارد همان طور که از سید قطب در «تفسیر فی ظلال القرآن» و صادقی در «تفسیر الفرقان» و ... نقل شد، پس اجماع منعقد نمی‌شود.

ب) روایات

۱۰۵

در برخی احادیث، وجوب سکوت و استماع مربوط به نماز است:
- عن زراره قال ابوجعفر: «إن كنت خلف إمام فلا تقرأ شيئاً في الأولتين و أنصت لقراءته و لا تقرأ شيئاً في الأخيرتين فإن الله عز و جل يقول للمؤمنين و إذا قُرِئَ الْقُرْآنُ يُعْنِي فِي الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ فَاسْتَمِعُوا لَهُ و أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ - و الأخيرتان تبع للأولتين» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۸، باب ۳۱ عن ابواب صلاه الجماعة، حدیث ۳).

بر اساس روایات و اجماع، اطلاق آیه ۲۰۴ سوره اعراف حمل بر سکوت در نماز جماعت هنگام شنیدن صدای قرائت امام می‌شود و در غیر آن (نمازهای مستحب و غیرنماز) سکوت مستحب است (ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۷/ ۷۱).

فقه‌ها از جمله سید محسن حکیم نیز در موافقت متن عروة الوثقی سید کاظم طباطبایی به نهی وارد در روایت فوق (صحیح زراره) استدلال می‌کند که هنگام قرائت حمد و سوره امام جماعت در دو رکعت نمازهای جهری بر مأوم سکوت لازم و قرائت حرام است (حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۷/ ۲۵۳).

بررسی

هر چند که ظهور ابتدایی روایت زراره همین مطلب است، دقت در روایت از چند جهت لازم است:

اولاً: صدر روایت در مورد سکوت مأوم در نماز جماعت در دو رکعت اول سخن می‌گوید و به آیه ۲۰۴ سوره اعراف استدلال نمی‌کند، لکن ذیل روایت برای سکوت مأوم در دو رکعت سوم و چهارم نماز (که ممکن است امام جماعت حمد بخواند و شک شود که اینجا هم لازم است مأوم سکوت کند یا نه؟) به این آیه استدلال می‌کند و می‌فرماید: مقصود آیه در نماز واجب پشت سر امام است (چه در دو رکعت اول و دوم یا در دو رکعت سوم و چهارم).

بنابراین، روایت در مقام دفع توهم مخاطب و تعمیم آیه به همه رکعات نماز است؛ لذا به یکی از مصادیق آیه یعنی سکوت در نماز واجب اشاره کرده است. پس روایت در مقام بیان تفسیر آیه نیست که بگوییم اطلاق آیه را مقید ساخته است.

ثانیاً: اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند؛ یعنی اگر در برخی احادیث آمده که در هنگام قرائت قرآن توسط امام جماعت در نماز واجب بر مأوم واجب است که سکوت کند، این مطلب نمی‌تواند سکوت در مورد دیگر را نفی کند، به ویژه آنکه آیه ۲۰۴ سوره اعراف مطلق است و روایات موافق ظاهر آن (وجوب سکوت در نماز و غیر نماز) وجود دارد.

نتیجه

۱۰۶

اجماع فقه‌های فریقین و همچنین مفسران آنها در مورد وجوب سکوت هنگام قرائت قرآن قابل قبول نیست و روایت زراره نمی‌تواند دیدگاه سوم (وجوب سکوت و استماع هنگام نماز جماعت) را اثبات کند، ولی دلایل دیدگاه اول یعنی ظهور و اطلاق آیه شریفه و روایات مؤید و بناء عقلاء قوی‌تر به نظر می‌رسد.

بنابراین سکوت و استماع هنگام قرائت قرآن در همه موارد برای مستمع لازم است. چه در نماز باشد یا غیرنماز.

منابع

۱. ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمدعلی، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، قم: نشر جامعه المصطفیٰ العالمیه، ۱۳۸۵ ش.
۴. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ ش.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
۶. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، تحقیق عبد السلام محمد علی شاهین، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۴ م / ۱۴۱۵ ق.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۸. حسن خان، صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۹. حکیم، محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: منشورات مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران: المکتبه الرضویه، ۱۳۳۲ ش.
۱۱. راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن، فقه القرآن، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
۱۲. شعرانی، ابوالحسن، پژوهش‌های قرآنی علامه شعرانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. صادقی تهرانی، محمد، تفسیر الفرقان بالقرآن و السنه، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳.

۱۴. صادقي تهراني، محمد، الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامي، چاپ دوم، ۱۳۶۵ش.
۱۵. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۷ق.
۱۶. طباطبائي يزدي، محمد كاظم، العروة الوثقى، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۹ق.
۱۷. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۸. طوسي، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربي، بی تا.
۱۹. علامه مجلسي، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۰. عياشي، محمد بن مسعود، تفسير العياشي، تهران: مؤسسه بعثت، ۱۴۲۱ق.
۲۱. فاضل مقداد سيوري، مقداد بن عبدالله، كنز العرفان في فقه القرآن، ايران، تحقيق محمد اسماعيل بن علي اكبر خوانساري (چاپ سنگي)، ۱۳۱۳ق.
۲۲. فخر رازي، محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، بيروت: داراحياء التراث، ۱۴۲۰ق.
۲۳. فيومي، احمد بن محمد، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، قم: مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۲۴. قطب، سيد، في ظلال القرآن، بيروت: دارالاحياء التراث العربي، ۱۳۸۶ق.
۲۵. مكارم شيرازي، ناصر، تفسير نمونه، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.
۲۶. واحدي، علي بن احمد، اسباب نزول القرآن، نشر دارالكتب العلمية، ۱۴۱۱ق.